

ضعف سنت «نقد»

در پژوهش علوم سیاسی در ایران

دکتر سید محمدعلی تقوی*

مهسا ادیبی**

چکیده

علوم سیاسی در ایران با این انتقاد روبه‌رو بوده که با عمل فاصله بسیار دارد، بومی نشده و جایگاه مناسب خود را نیافته است. به نظر می‌رسد یکی از عوامل عمده ضعف پژوهش در علوم سیاسی در کشورمان عدم توجه جدی به امر «نقد» باشد. هدف از این تحقیق بررسی جایگاه نقد در پژوهش علوم سیاسی در ایران است. بدین منظور، مجله‌های تخصصی علوم سیاسی مورد بررسی میدانی قرار گرفته‌اند، گونه‌های مختلف نقد دسته‌بندی شده و طی

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (sma_taghavi@yahoo.com)
** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (msh_adibi@yahoo.com)
از خانم دکتر زهرا طبیبی استادیار روانشناسی دانشگاه فردوسی که در زمینه مباحث آماری و شیوه پژوهش، مؤلفان این مقاله را یاری نمودند و از آقای دکتر خلیلی استادیار علوم سیاسی همین دانشگاه که اطلاعات وسیع خود در زمینه مجلات پژوهشی علوم سیاسی را در اختیار نگارندگان قرار دادند، تشکر می‌شود.

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۱۳

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۹، صص ۲۷-۷.

یک بررسی کمی تعداد و حجم آثار اختصاص یافته به نقد در مقایسه با کل آثار سنجیده شده‌اند. برای شناخت بهتر جایگاه نقد در پژوهش علوم سیاسی، یافته‌های مربوط به مطالب انتقادی در مجله‌های تخصصی علوم سیاسی با یافته‌های مشابه در گزیده‌ای از مجله‌های رشته ادبیات (که رشته‌ای بومی به شمار می‌آید و سنت دیرپایی از نقد در آن جریان دارد) مقایسه شده‌اند. آمارها نشان می‌دهند ۸/۲ درصد عناوین و ۴/۵ درصد حجم مطالب منتشرشده در مجله‌های پژوهشی علوم سیاسی به مطالب انتقادی اختصاص دارند که از ارقام مشابه در مجله‌های رشته ادبیات اندکی مطلوب‌تر است، اما ضعف سنت نقد در پژوهش علوم سیاسی در ایران را آشکار می‌سازد. به علاوه، بررسی گونه‌های مختلف نقد در مجله‌های پژوهشی علوم سیاسی نشان می‌دهد ۹۱ درصد تعداد و ۸۴ درصد حجم مطالب انتقادی، «نقد کتاب» بوده‌اند. ارقام مشابه در رشته ادبیات مشخص می‌کند مجله‌های این رشته بیش از مجله‌های علوم سیاسی به سایر گونه‌های نقد توجه مبذول می‌دارند.

واژه‌های کلیدی: علوم سیاسی، ادبیات، پژوهش، نقد، نقد کتاب.

مقدمه

در علوم انسانی که عمدتاً با مفاهیم انتزاعی و امور اعتباری سروکار دارند یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های ارزیابی قضایا و یافته‌های پژوهشی، تحلیل نقادانه آنهاست. بررسی امکان به کار بستن یک نظریه در عمل و سنجش نحوه تأثیرگذاری آن نیز بدین طریق میسر می‌شود. نقد آزمایشگاه علوم انسانی است و این سخن بیش از هر رشته دیگر در مورد علوم سیاسی مصداق دارد، چراکه ادعاهای این رشته در چنان سطح کلانی مطرح شده و عملی شدن آنها چنان تأثیرات غیر قابل بازگشتی برجای می‌گذارند که برای بررسی پیامدهای این دعاوی نمی‌توان از آزمون‌های آزمایشگاهی معمول بهره جست. به همین سبب ملاحظه می‌شود که علوم انسانی و به‌ویژه علوم سیاسی، در جوامعی به شکوفایی رسیده و در عمل تأثیرگذار شده‌اند که در آنها سنت نقد به طور جدی و فعال وجود داشته است. به علاوه، نقد مردم‌سالاری و نظارت از پایین را تقویت می‌کند و شایسته‌سالاری را استحکام می‌بخشد.^(۱)

نقد بهین چیزی را برگزیدن و سره از ناسره باز شناختن است. ناقد با تحلیل و تشریح و طبقه‌بندی و قضاوت می‌تواند مشخص کند که هر اثری در چه مرحله‌ای از تکامل بوده و تا کجا پیش رفته است.^(۲) میشل فوکو در مقاله معروف «مؤلف کیست؟» بیان می‌دارد که نقد، اثر را در ساختار معماری، شکل ذاتی و بازی مناسبات درونی‌اش تحلیل می‌کند.^(۳)

نقد در علوم انسانی سابقه‌ای به قدمت تاریخ اندیشه دارد. اندیشمندان یکی پس از دیگری جزمیاتی را که پیشینیان آفریده بودند در هم شکستند و هریک چشم‌انداز جدیدی فرا راه بشریت نمایان ساختند. سقراط عقاید مرسوم زمان خود

را ریشخند می‌کرد و افلاطون با تاختن بر اندیشه‌های سوفسطایی آغازید. انتقادهای کوبندهٔ ارسطو از افلاطون راه را بر درک بهتر وضعیت بشر گشودند و سپس خود نیز آماج نقد کلیون و اپیکوریان قرار گرفتند. در دوران اوج‌گیری تمدن اسلامی هم به نمونه‌های چشمگیری از نقد برمی‌خوریم. نقد بی‌امان امام محمد غزالی بر فلاسفه به ویژه ابن سینا از این جمله است؛ و البته «تهافت الفلاسفه»ی او خود موضوع «تهافت التهافت» ابن رشد قرار گرفت. نقد در میان مسلمانان به فلسفه و کلام محدود نماند و حتی حوزه‌ای چون فقه را نیز درنوردید. با آغاز عصر روشنگری، توجه بیشتری به نقد معطوف شد و هیچ اندیشه‌ای از تیغ تیز انتقاد در امان نماند. فلسفه عصر روشنگری اساساً فلسفه‌ای انتقادی بود. رشد و پویایی علوم انسانی مرهون منتقدانی بوده که هیچ نکته‌ای را وانمی‌گذارند.

علوم سیاسی در ایران با این اتهام روبه‌رو بوده که با عمل فاصلهٔ بسیار دارد، به مسائل عینی جامعه نمی‌پردازد، بومی نشده، و در یک کلام، جایگاه مناسب خود را نیافته است. بخشی از این اتهامات متوجه پژوهش در علوم سیاسی هستند و به نظر می‌رسد یکی از عوامل عمدهٔ ضعف پژوهش در علوم سیاسی در کشورمان عدم توجه جدی به امر «نقد» باشد. این تحقیق به بررسی جایگاه نقد در پژوهش علوم سیاسی در ایران می‌پردازد. پرسش آن است که محققان ایرانی تا چه اندازه به نقد علاقه نشان داده‌اند و چه گونه‌هایی از نقد را مرجح شمرده‌اند. پاسخ بدین سؤال با بررسی میدانی مجله‌های پژوهشی علوم سیاسی و با مقایسه کمی تعداد عناوین و صفحات اختصاص یافته به نقد ارائه خواهد شد. همچنین ارقام یافت شده با آمارهای مشابه در ارتباط با پژوهش‌های ادبی مقایسه می‌شوند تا شناخت بهتری در مورد جایگاه نسبی نقد در علوم سیاسی حاصل شود. ادبیات به این دلیل به عنوان شاخصی برای مقایسه در نظر گرفته شده که رشته‌ای بومی به شمار می‌آید و سنت دیرپایی از نقد در آن جریان دارد.^(۴)

در این مقاله، ابتدا به منظور ارزیابی جایگاه نقد در علوم سیاسی در ایران، به شیوهٔ پژوهش پرداخته خواهد شد. در این بخش، چگونگی گزینش، گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها تشریح می‌شوند. قسمت بعد به بیان یافته‌های آماری و تحلیل داده‌های گردآوری شده اختصاص دارد و در پایان، نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

شیوه پژوهش

چنانکه اشاره شد سؤال اصلی این مقاله آن است که ادبیات نقادانه در پژوهش علوم سیاسی در ایران از چه جایگاهی برخوردار است؟ منظور از ادبیات نقادانه یا نقد آن دسته از آثاری است که هدف اصلی آنها نقد یک اندیشه، نظریه یا برنامه باشد. مطالبی که در ضمن بیان مقصود خود، انتقاداتی هم بر دیگران وارد آورده‌اند، در این مجموعه نمی‌گنجند. از آنجا که آخرین محصولات پژوهشی در هر رشته در مجله‌های تخصصی آن رشته ارائه می‌شوند، در این تحقیق مجله‌های پژوهشی علوم سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرند. بدین منظور گونه‌های مختلف نقد دسته‌بندی شده و تعداد آثار و صفحات اختصاص یافته به نقد در مقایسه با کل آثار سنجیده می‌شوند. سپس یافته‌های مربوط به مطالب انتقادی در مجله‌های تخصصی علوم سیاسی با یافته‌های مشابه در گزیده‌ای از مجله‌های رشته ادبیات مقایسه می‌شوند.

شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها بدین شکل بوده که ابتدا تمامی مجله‌های علوم سیاسی که بر اساس رده‌بندی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای رتبه «علمی - پژوهشی» و «علمی - ترویجی» بوده یا توسط مراکز علمی و پژوهشی منتشر می‌شوند، بدون آنکه رتبه رسمی داشته باشند، شناسایی شدند. سپس بررسی میدانی وسیعی برای مشخص کردن مقاله‌ها و مطالب انتقادی صورت گرفت. ملاک اینکه چه مطلبی نقد به شمار می‌آیند، عناوین اصلی یا فرعی مقاله بودند. اگر تردیدی در مورد انتقادی بودن یک مطلب وجود داشت، با رجوع به خلاصه و سپس خود مقاله، انتقادی بودن یک مطلب مشخص می‌شد.

این بدان معنی است که بسیاری از مطالبی که انتقادی بودنشان از عنوان آنها استنتاج نمی‌شد - هرچند در متن به نقد یک یا چند نظر یا نظریه پرداز می‌پرداختند - حذف شدند. البته این امر خللی در این پژوهش به شمار نمی‌آید زیرا چنانکه پیشتر اشاره شد هدف این تحقیق بررسی آثاری است که اساساً به منظور نقد نگاشته شده‌اند و نه آثاری که در حین بیان مدعای خود، به نقد هم پرداخته‌اند، همچنین نقدهایی که ترجمه بودند و به سخن دیگر، ترجمه‌هایی که در نقد چیزی نگاشته شده بودند، حذف شدند زیرا هدف بررسی سنت نقد در ایران بوده است.

در گام بعدی، گونه‌های مختلف نقد معین شدند. بدین ترتیب، ده گونه نقد از هم متمایز شدند:

۱. مقاله‌ای که به نقد یک متفکر یا اندیشه مشخص داخلی می‌پردازد. این مورد شامل نقد برنامه‌ها، قوانین یا حتی سیاست‌ها (چه داخلی و چه خارجی، تا آنجا که مراجع داخلی در تصمیم‌گیری و اجرای آن دخیل هستند) نیز می‌شود؛

۲. مقاله‌ای که به نقد یک متفکر یا اندیشه مشخص خارجی می‌پردازد. اموری که خارجیان متصدی تصمیم‌گیری یا اجرای آن هستند نیز در این دسته می‌گنجد؛

۳. نقد کتاب (شامل نقد داستان)؛

۴. نقد مقاله؛

۵. نقد فیلم و نمایش؛

۶. نقد شعر؛

۷. مناظره رودررو (نقد چهره به چهره)؛

۸. مناظره غیرمستقیم؛

۹. جواب به نقد؛

۱۰. سایر موارد نقد که ذیل عناوین بالا قابل دسته‌بندی نبودند یا آنکه به بیش از یک نوع تعلق داشتند.

کار مشابهی هم در مورد مجله‌های ادبیات صورت گرفت. البته بررسی میدانی تمامی مجله‌های تخصصی رشته ادبیات فرصت بسیاری را می‌طلبید. از همین رو، پس از تفکیک این مجله‌ها به علمی - پژوهشی، علمی - ترویجی و فاقد رتبه، از دسته اول سه مجله، از دسته دوم دو مجله و از میان مجله‌های فاقد رتبه یک مجله (در مجموع شش مجله) به گونه‌ای تصادفی برگزیده شدند. تنها معیار غیر تصادفی، در دسترس بودن مجله‌های مربوطه برای مؤلفان پژوهش حاضر بوده است.

در نهایت آنکه برای مقایسه جایگاه نقد در دو رشته، و شناخت جایگاه نقد در پژوهش علوم سیاسی در ایران دو شاخص کمی برگزیده شدند: (۱) تعداد عناوین مقاله‌های انتقادی و (۲) تعداد صفحات (حجم) مقاله‌های انتقادی. آنچه موقعیت

نسبی نقد را آشکار می‌سازد نسبت تعداد عناوین و صفحات مقاله‌های انتقادی در مقایسه با کل مطالب منتشره در شماره‌های مورد بررسی است. بدین ترتیب، درصد تعداد و حجم مقاله‌های اختصاص‌یافته به نقد در مجله‌های علوم سیاسی در مقایسه با ادبیات محاسبه شدند. برای شناخت دقیق‌تر ادبیات نقادانه در هر دو رشته، درصد تعداد و حجم مقاله‌های انتقادی به تفکیک رتبه‌های مختلف مجله‌ها و نیز گونه‌های مختلف نقد نیز مشخص شدند. البته بهره‌گیری از ملاک‌های کیفی بهتر می‌توانستند واقعیت را نمایان سازند، ولی به‌کار بستن آنها از عهده این پژوهش و پژوهشگران آن خارج بوده است.

به منظور آنکه مقایسه سنت نقد در دو رشته وجه مقبول‌تری به خود بگیرد، گردآوری داده‌ها از مجله‌های هر دو رشته در بازه زمانی یکسانی (از ابتدای سال ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۳۸۷) انجام گرفت. البته انتشار برخی از مجله‌های انتخاب‌شده در میانه این بازه آغاز یا دچار فترت شده است. تنها یک مجله و آن هم اطلاعات سیاسی - اقتصادی که گردآوری داده‌های مربوط به آن در مراحل نهایی انجام گرفت، در یک بازه زمانی کوتاه‌تر (از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا پایان ۱۳۸۷) مورد بررسی واقع شد. این امر بر یافته‌های پژوهش خدشه‌ای جدی وارد نمی‌آورد، چراکه این یافته‌ها همه به صورت تناسبی محاسبه شده‌اند، مثلاً نسبت حجم مقاله‌های انتقادی به حجم کل مطالب سنجیده شده و نه آنکه حجم آنها به صورت مطلق مورد داوری قرار گیرد.

کار گردآوری داده‌ها به دو شیوه دستی و جست‌وجوی اینترنتی انجام شد. بدین ترتیب که ابتدا با مراجعه به کتابخانه‌های مراکز علمی معتبر دانشگاهی و پژوهشی مانند کتابخانه‌های دانشگاه‌های فردوسی و علامه طباطبایی و نیز کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، مجله‌های علوم سیاسی و گزیده مجله‌های ادبیات یک‌به‌یک به منظور جمع‌آوری داده‌های مربوط به آثار انتقادی بررسی شدند. در مراحل بعدی و در صورت در دسترس نبودن مجله‌های مورد نظر، اطلاعات خواسته شده از طریق دو سامانه اینترنتی «مگ‌ایران»^۱ و «نورمگز»^۲ و گاهی نیز از

1. <http://www.magiran.com>
2. <http://www.noormags.com>

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۱ جست‌وجو شدند. داده‌های گردآوری شده در نرم‌افزار اکسل وارد شده و محاسبات آماری با استفاده از این نرم‌افزار انجام گرفت.^(۵)

یافته‌ها

در پاییز ۱۳۸۸، ۲۸ مجله تخصصی علوم سیاسی در ایران در دسترس بوده‌اند. این موارد تقریباً تمامی مجله‌هایی را شامل می‌شود که یافتن و گردآوری داده‌ها در مورد آنها از طریق کتابخانه‌ها و سایت‌های معتبر امکان‌پذیر بوده است. مجله‌هایی که خارج از بازه زمانی مورد نظر این پژوهش (ابتدای ۱۳۸۰ تا پایان ۱۳۸۷) منتشر شده یا می‌شوند، مورد بررسی واقع نشده‌اند. ممکن است که در همین بازه، مجله‌های دیگری هم وجود داشته باشند که به دلایلی چون مشکل بودن دسترسی، انتشار برای مخاطبان محدود یا حتی غفلت صرف، توجه پژوهندگان این تحقیق را جلب نکرده و لذا بررسی نشده‌اند. از مجموع ۲۸ مجله گزینش شده برای بررسی میدانی، ۵ مجله دارای رتبه علمی - پژوهشی، ۱۰ مجله دارای رتبه علمی - ترویجی و ۱۳ مجله نیز فاقد رتبه رسمی اعطاشده توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بوده‌اند. لازم به یادآوری است رتبه برخی از مجله‌ها در بازه زمانی مورد نظر پژوهشگران تغییر (و عمدتاً ارتقا) یافته است. برای سهولت انجام کار و اجتناب از پیچیدگی، رتبه آنها در پاییز ۱۳۸۸ (زمان انجام پژوهش) به عنوان رتبه آنها در سراسر دوره مورد نظر تلقی شده است. این تعمیم قابل قبول تلقی می‌شود، چراکه تغییر رتبه مجله‌ها توسط نهاد مربوطه در وزارت علوم اساساً با توجه به شماره‌های پیشین صورت می‌گیرد. فهرست این مجله‌ها و مجله‌های ادبی که به روش گفته‌شده در قسمت «شیوه پژوهش» گزینش شدند، در جدول زیر آمده است.

مجله‌های علوم سیاسی

رتبه	صاحب امتیاز	نام مجله
علمی - پژوهشی	دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی	رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی
	دانشگاه امام صادق	دانش سیاسی
	مؤسسه مطالعات ملی	مطالعات ملی
	دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران	فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی
	مجتبی مقصودی / انجمن علوم سیاسی ایران	پژوهشنامه علوم سیاسی
علمی - ترویجی	مرتضی نبوی	راهبرد یاس
	مؤسسه اطلاعات	اطلاعات سیاسی - اقتصادی
	پژوهشکده علوم دفاعی - استراتژیک، دانشگاه امام حسین (ع)	سیاست دفاعی
	مهدی ذاکریان / انجمن ایرانی روابط بین‌الملل	مطالعات بین‌المللی
	مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه	مطالعات خاورمیانه
	دانشگاه علامه طباطبایی	پژوهش حقوق و سیاست
	دانشگاه باقر العلوم	علوم سیاسی
	وزارت امور خارجه	تاریخ روابط خارجی
	وزارت امور خارجه	سیاست خارجی
وزارت امور خارجه	مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز	
ندارد	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی	پژوهش علوم سیاسی
	وزارت امور خارجه	مطالعات افریقا
	پژوهشکده مطالعات راهبردی	فصلنامه مطالعات راهبردی
	مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه	مطالعات منطقه‌ای
	مؤسسه اطلاعات ایران و اوراسیا	ایراس
	دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری	حکومت اسلامی
	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	مجلس و پژوهش
	پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج	مطالعات بسیج
	معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها	مطالعات انقلاب اسلامی
	گروه مطالعات سیاسی، مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام	پژوهشنامه سیاست خارجی
	دفتر پژوهش‌های فرهنگی	اقتصاد سیاسی
	گروه مطالعات بین‌المللی، مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام	پژوهشنامه روابط بین‌الملل
	مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی	مطالعات تاریخی

مجله‌های ادبیات

رتبه	صاحب امتیاز	نام مجله
علمی - پژوهشی	دانشگاه تبریز	فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز
	دانشگاه فردوسی مشهد	فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد
	انجمن زبان و ادب فارسی	پژوهش‌های ادبی
علمی - ترویجی	مرکز نشر میراث مکتوب	آیینه میراث
	دانشگاه علامه طباطبائی	زبان و ادب پارسی
ندارد	طوبی ساطعی	سمرقند

در مجموع ۷۸۶ شماره مجله مورد بررسی اولیه قرار گرفتند که پس از حذف موارد غیرمربوط، ۶۲۹ شماره آن در بررسی‌های مربوط به پژوهش و محاسبات آن گنجانیده شدند. حذفیات به دلیل منطبق نبودن با معیارهای تعیین شده برای مجله‌ها و مقاله‌ها صورت گرفتند، مثلاً قرار گرفتن یک مجله در خارج از بازه زمانی، آشکار شدن آنکه مقاله مورد نظر انتقادی نیست یا آنکه مجله مربوطه سیاسی محسوب نمی‌شود یا شماره‌هایی از آن به موضوعات دیگری مانند حقوق اختصاص دارند. از ۶۲۹ شماره مجله‌هایی که داده‌های پژوهش از آنها استخراج شده‌اند، ۱۲۴ مورد ادبی و ۵۰۵ مورد علوم سیاسی بوده‌اند. در ادامه یافته‌های پژوهش به تفکیک رشته‌های ادبیات و علوم سیاسی آورده می‌شوند.

کلیت نقد

ادبیات

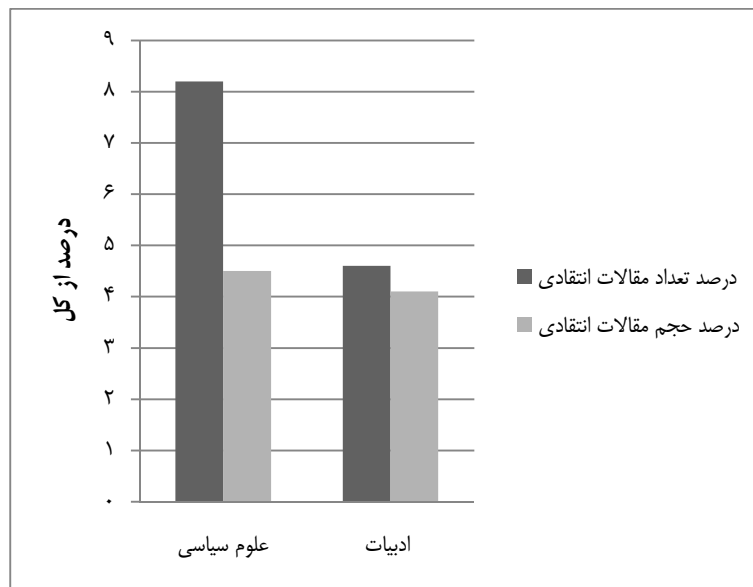
در مجله‌های بررسی شده ادبیات به‌طور کلی ۱۶۸۶ مقاله به چاپ رسیده که ۷۷ عنوان از آنها، یعنی ۴/۶ درصد انتقادی بوده‌اند. بالاترین تعداد مقاله‌های انتقادی در یک شماره ۶ و متوسط تعداد این مقاله‌ها در هر شماره ۰/۶۲ است. از مجموع ۲۶۷۸۰ صفحه مجله‌های یادشده، ۱۰۹۵ صفحه به نقد اختصاص داشته‌اند که بیانگر نرخ ۴/۱ درصد است. بالاترین تعداد صفحات یک مقاله انتقادی ۷۰، و متوسط صفحات چنین مقاله‌هایی در هر شماره ۷/۴ بوده است.

علوم سیاسی

این مجله‌ها در کل ۵۹۶۸ عنوان مطلب داشته‌اند که ۴۸۹ مورد آن یعنی ۸/۲ درصد انتقادی بوده‌اند. بالاترین تعداد مقاله‌های انتقادی در یک شماره ۶ و متوسط تعداد این مقاله‌ها در هر شماره ۰/۹۷ است. از سوی دیگر، تعداد کل صفحات شمارگان مجله‌های بررسی شده ۱۲۳۳۴۲ بوده که ۵۵۳۹ صفحه آن به مطالب انتقادی اختصاص داشته‌اند و نسبت ۴/۵ درصد را نشان می‌دهد. بیشترین تعداد صفحات اختصاص یافته به نقد یک مطلب ۵۴ صفحه‌ای و متوسط صفحات نقد در هر شماره ۷/۴ بوده است.

این واقعیت که مقاله‌های انتقادی ۴/۵ درصد حجم مطالب منتشرشده در مجله‌های تخصصی علوم سیاسی را دربرمی‌گیرند، مبین نازل بودن میزان نقد در این مجله‌هاست. با این حال، عدد مزبور از نرخ مطالب انتقادی در مجله‌های پژوهشی ادبیات (۴/۱ درصد) بیشتر است. تعداد مطالب انتقادی رقم امیدوارکننده‌تری را نشان می‌دهد: ۸/۲ درصد عناوین منتشره در مجله‌های علوم سیاسی نقد بوده‌اند، درحالی‌که همین رقم برای رشته ادبیات، ۴/۶ درصد بوده است.

درصد تعداد و حجم مطالب انتقادی در مجله‌های ادبیات و علوم انسانی



نقد در مجله‌ها بر حسب رتبه

ادبیات

از ۷۴۹ عنوان مطلب مندرج در مجله‌های ادبی با رتبه علمی - پژوهشی، ۲۸ مورد آن، یعنی ۳/۷ درصد، انتقادی بوده‌اند. همچنین از ۱۵۲۵۰ صفحه، ۵۳۲ صفحه که ۳/۵ درصد را شامل می‌شود به نقد اختصاص یافته‌اند. متوسط صفحات نقد در یک مجله علمی - پژوهشی ۶/۷ بوده است.

بررسی مجله‌های علمی - ترویجی ادبیات نشان می‌دهد شمار کل مقاله‌ها ۶۴۹ و از آن میان ۴۲ مورد، یعنی ۶/۵ درصد، انتقادی بوده‌اند. از مجموع ۸۸۹۹ صفحه مطلب چاپ‌شده، مقاله‌های انتقادی ۴۸۷ صفحه را دربرگرفته‌اند که رقم ۵/۵ درصد را مشخص می‌کند. متوسط صفحات این دسته از مقاله‌ها ۸/۵ بوده است.

در مورد مجله‌های فاقد درجه، از ۲۸۵ عنوان، ۷ مورد یعنی ۲/۵ درصد، نقد بوده است. به علاوه، از ۲۶۳۱ صفحه بررسی‌شده، ۷۶ صفحه انتقادی بوده‌اند که مشخص می‌کند ۲/۹ درصد حجم کل مطالب انتقادی هستند. متوسط صفحات نقد در هر شماره ۶/۳ است. چنانکه پیش از این اشاره شد مجله‌های ادبی فاقد درجه بررسی‌شده در این پژوهش فقط یک مورد بوده است. لذا برداشت‌های ناشی از داده‌های مربوط بدان را به‌آسانی نمی‌توان به همه مجله‌های ادبی فاقد رتبه تعمیم داد.

علوم سیاسی

تعداد عناوین منتشره در مجله‌های علمی - پژوهشی بررسی‌شده در این تحقیق، ۷۲۲ عنوان است که از آن میان ۶۶ عنوان یعنی ۹/۱ درصد انتقادی بوده‌اند. از نظر حجم، جمع صفحات ۱۷۱۷۳ بوده که از آن میان ۹۹۲ صفحه به نقد اختصاص داشته‌اند و ۵/۸ درصد از کل را دربرمی‌گیرند؛ بدین ترتیب، متوسط حجم مطلب انتقادی در هر شماره ۸/۸ می‌شود.

از مجموع ۲۹۱۴ عنوان درج‌شده در مجله‌های علمی - ترویجی علوم سیاسی، ۲۷۲ عنوان یعنی ۹/۳ درصد به نقد پرداخته‌اند. از ۵۵۴۴۰ صفحه مطلب نیز ۲۶۰۰

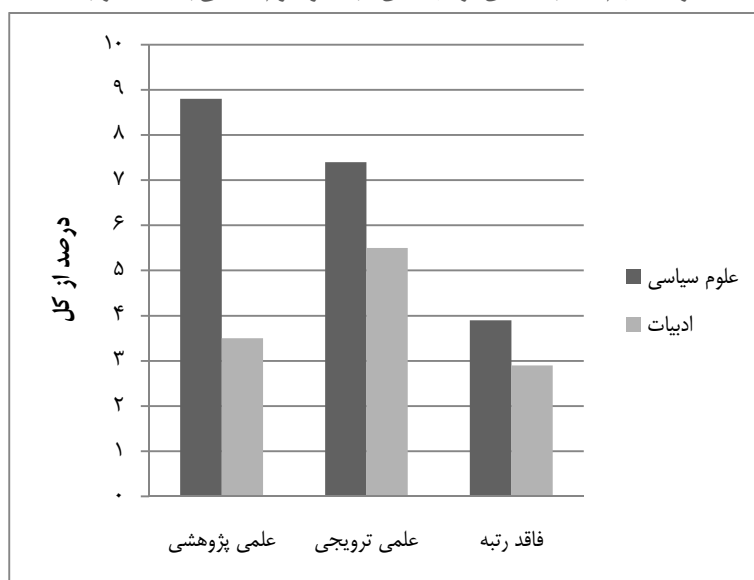
صفحه آن انتقادی بوده که نسبت ۴/۷ درصد را نشان می‌دهد. متوسط حجم مقاله‌های انتقادی در هر شماره ۷/۴ است.

در مجله‌های فاقد درجه علوم سیاسی، از ۲۳۳۲ مقاله ۱۵۳ مورد و از ۵۰۷۲۹ صفحه ۱۹۶۵ صفحه به نقد مطالب سایرین پرداخته‌اند. نرخ شمار مطالب انتقادی به کل ۶/۶ درصد، و نرخ حجم آنها به کل ۳/۹ درصد است. متوسط حجم مطلب انتقادی در هر شماره ۶/۸ صفحه بوده است.

آمارهای مربوط به نقد به تفکیک درجه مجله‌ها نشان می‌دهند در رشته ادبیات، بیشترین میزان نقد (هم از نقطه نظر تعداد عناوین و هم از نقطه نظر میزان صفحات) در مجله‌های علمی - ترویجی و پس از آن مجله‌های علمی - پژوهشی صورت گرفته است. در مجله‌های علوم سیاسی نیز بیشترین تعداد نقد در مجله‌های علمی - ترویجی و سپس با فاصله بسیار اندکی در مجله‌های علمی - پژوهشی و با فاصله بیشتری در مجله‌های فاقد درجه دیده می‌شوند. اما در همین رشته، بیشترین حجم صفحات نقد در مجله‌های علمی - پژوهشی و سپس علمی - ترویجی صورت گرفته است؛ البته فاصله میان مجله‌های دارای رتبه‌های مختلف در علوم سیاسی کمتر از میزانی است که در رشته ادبیات دیده می‌شود.

علاوه بر این، آمارهای بالا نشان می‌دهند از نظر تعداد مقاله‌های انتقادی، مجله‌های علوم سیاسی دارای رتبه‌های مختلف بر همتایان ادبی خود برتری داشته‌اند و فقط در مورد حجم مقاله‌های انتقادی، مجله‌های علمی - ترویجی علوم سیاسی از همتایان ادبی خود اندکی عقب‌تر هستند.

درصد حجم مطالب انتقادی در مجله‌های ادبیات و علوم سیاسی به تفکیک رتبه



گونه‌های نقد

ادبیات

در میان ۱۲۴ شماره مجله ادبی بررسی شده، ۸۰ شماره (۶۴ درصد) فاقد نقد بوده‌اند. از کل عناوین انتقادی (۶۸ عدد)، ۵ مورد که شامل ۷/۵ درصد عناوین می‌شود به نقد اندیشه‌های داخلی پرداخته‌اند. این گونه از نقد ۱۰۳ صفحه (حدود ۹ درصد از حجم کل ۱۰۹۵ صفحه) را دربرمی‌گیرد. ۵ مورد دیگر (۷/۵ درصد عناوین) به نقد اندیشه‌های خارجی می‌پردازند و ۹۸ صفحه (حدود ۹ درصد حجم کل) را پوشش می‌دهند. نقد کتاب مشتمل بر ۴۳ مورد (۶۳ درصد تعداد) بوده و در ۶۳۷ صفحه (۵۸ درصد حجم) ارائه شده است. ۱۵ مورد بقیه (۲۲ درصد تعداد) هم در ۲۵۷ صفحه (حدود ۲۴ درصد حجم) به سایر موارد اختصاص داشته‌اند. یعنی حدود ۶۰ درصد تعداد و حجم مطالب انتقادی، نقد کتاب بوده‌اند. هیچ نقد مقاله، نقد فیلم یا نمایش، مناظره رودررو یا غیرمستقیم در این مجله‌ها گزارش نشده است.

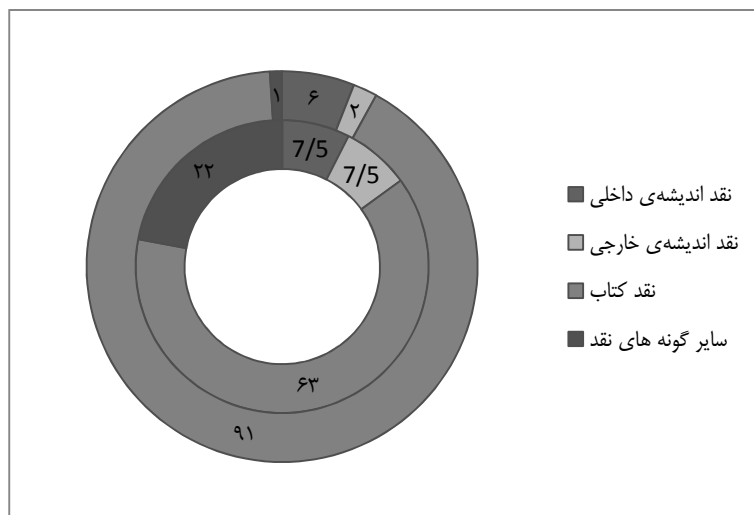
علوم سیاسی

از جمع ۵۰۵ شماره مجله علوم سیاسی بررسی شده، ۲۶۵ شماره یعنی ۵۲ درصد

آنها، فاقد هرگونه مطلب انتقادی بوده‌اند. از کل موارد نقد (۴۸۸ عنوان) که ۵۵۳۹ صفحه را دربرمی‌گرفتند، ۳۰ مورد (۶ درصد تعداد) مشتمل بر ۶۱۸ صفحه (۱۱ درصد حجم) به نقد اندیشه‌های داخلی اختصاص یافته‌اند. ۱۱ مورد (۲ درصد تعداد) به نقد اندیشه‌های خارجی می‌پرداختند که ۲۲۹ صفحه (۴ درصد حجم) را دربرمی‌گیرد؛ اما نقد کتاب شامل ۴۴۳ مورد (۹۱ درصد عناوین) می‌شد که در ۴۶۳۳ صفحه (۸۴ درصد حجم) ارائه شده بود. ۴ مورد (۱ درصد تعداد عناوین) شامل ۵۹ صفحه (۱ درصد حجم) هم به سایر گونه‌های نقد اختصاص داشته‌اند؛ یعنی بیش از ۹۰ درصد تعداد و بیش از ۸۰ درصد حجم مطالب انتقادی، نقد کتاب بوده‌اند. هیچ نقد فیلم یا نمایش در این مجله‌ها دیده نشده که البته غیرمنتظره هم نیست. حتی یک مورد مناظره رودررو یا غیرمستقیم در این مجله‌ها به چاپ نرسیده است.

مقایسه ارقام بالا نشان می‌دهد نقد کتاب در مجله‌های هر دو رشته با فاصله بسیار زیادی (از نظر تعداد عناوین و حجم صفحات) از سایر گونه‌های نقد قرار دارد. این امر در مجله‌های علوم سیاسی بسیار واضح‌تر است. نویسندگان هیچ‌کدام از دو رشته، علاقه‌ای به مناظره قلمی از خود نشان نداده‌اند. همچنین توجه اندکی به نقد اندیشمندان یا برنامه‌ها و سیاست‌های داخلی و خارجی داشته‌اند. پژوهندگان علوم سیاسی حتی کمتر از هم‌تایان ادیب خود به نقد اندیشه‌های خارجی رغبت نشان داده‌اند. البته شاید این امر در نقد کتاب‌های خارجی جبران شده باشد که آمار تفکیکی آن در این پژوهش محاسبه نشده است.

درصد تعداد گونه‌های نقد در مجله‌های ادبیات (دایره درونی) و مجله‌های علوم سیاسی (دایره بیرونی)



گونه‌های مختلف نقد به تفکیک رتبه مجله‌ها

ادبیات

از پنج مورد نقد اندیشه داخلی در مجله‌های ادبی، چهار مورد در مجله‌های علمی - پژوهشی و یک مورد در مجله علمی - ترویجی چاپ شده‌اند که به ترتیب اندکی بیش از ۰/۵ درصد (از ۷۴۹ عنوان چاپ شده در مجله‌های علمی - پژوهشی) و کمی بیشتر از ۰/۱ درصد (از ۶۴۹ عنوان چاپ شده در مجله‌های علمی - ترویجی) را دربرمی‌گیرند.

بر همین منوال، از پنج مورد نقد اندیشه خارجی در مجله‌های ادبی، چهار مورد در مجله‌های علمی - پژوهشی و یک مورد در مجله علمی - ترویجی نشر یافته‌اند که به ترتیب کمی بیش از ۰/۵ درصد تعداد عناوین چاپ شده در مجله‌های علمی - پژوهشی و اندکی بیشتر از ۰/۱ درصد عناوین‌های مندرج در مجله‌های علمی - ترویجی را شامل می‌شوند.

از ۴۳ مورد نقد کتاب، ۶ مورد در مجله‌های علمی - پژوهشی، ۳۵ مورد در مجله‌های علمی - ترویجی و ۲ مورد در مجله‌های فاقد درجه، نشر یافته‌اند. نسبت این اعداد با مجموع عناوین منتشر شده در مجله‌های مزبور به ترتیب عبارتند از: ۰/۸ درصد، ۵/۴ درصد و ۰/۸ درصد (از ۲۸۵ عنوان چاپ شده در مجله‌های فاقد رتبه).

این مطلب نشان می‌دهد که در رشته ادبیات بیشترین اهتمام برای نقد اندیشه‌های داخلی و خارجی (از نظر تعداد) در مجله‌های علمی - پژوهشی و سپس مجله‌های علمی - ترویجی مبذول شده است. در مقابل، مجله‌های علمی - ترویجی، با فاصله بسیار زیادی از سایر مجله‌ها، بیشترین تعداد نقد کتاب را به نسبت شماره کل مطالب خود داشته‌اند. در این زمینه، مجله‌های علمی - پژوهشی و مجله‌های فاقد درجه در رده مشابهی قرار دارند.

علوم سیاسی

از سی مورد نقد اندیشه داخلی در مجله‌های علوم سیاسی، سهم مجله‌های علمی - پژوهشی ۵ مورد (معادل ۰/۷ درصد از ۷۲۲ عنوان منتشرشده در این دسته از مجله‌ها)، مجله‌های علمی - ترویجی ۱۰ مطلب (کمی بیش از ۰/۳ درصد از ۲۹۱۴ عنوان) و مجله‌های فاقد درجه، ۱۵ مورد (اندکی بیش از ۰/۶ درصد از ۲۳۳۲ عنوان) بوده است.

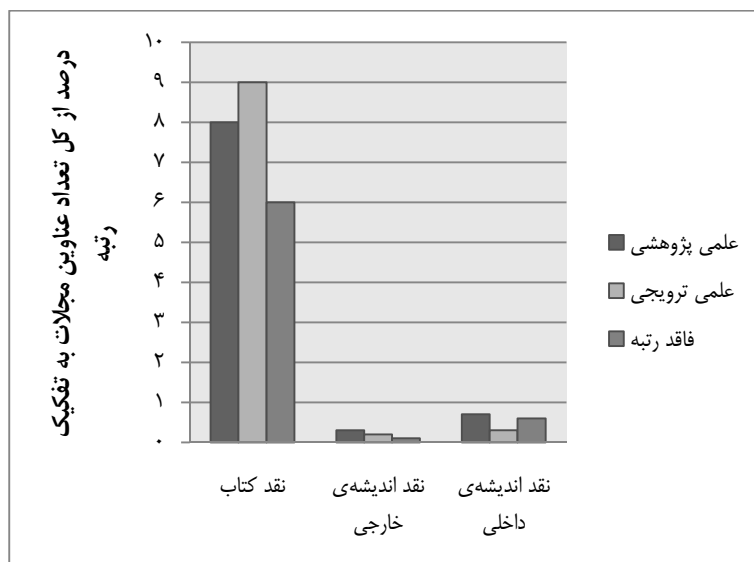
از ۱۱ مورد نقد اندیشه خارجی نیز، در مجله‌های علمی - پژوهشی ۲ مورد (کمتر از ۰/۳ درصد کل عناوین)، در مجله‌های علمی - ترویجی ۷ مورد (کمی بیش از ۰/۲ درصد مجموع مطالب) و در مجله‌های فاقد رتبه ۲ مورد (کمتر از ۰/۱ درصد مقاله‌ها) انتشار یافته‌اند.

از ۴۴۳ مورد نقد کتاب، سهم مجله‌های علمی - پژوهشی ۵۸ مورد (۸ درصد تمامی عنوان‌های انتشاریافته)، سهم مجله‌های علمی - ترویجی ۲۵۲ مورد (اندکی کمتر از ۹ درصد موارد مندرج) و سهم مجله‌های فاقد درجه ۱۳۳ مورد (کمی کمتر از ۶ درصد عناوین منتشرشده) بوده است.

این اعداد مشخص می‌کنند در رشته علوم سیاسی، بیشترین درصد موارد نقد کتاب، به ترتیب در مجله‌های علمی - ترویجی، علمی - پژوهشی و فاقد رتبه انتشار یافته‌اند. در نقد اندیشه و مسائل خارجی هرچه رتبه مجله‌ها بالاتر بوده، اهتمام بیشتری نیز مبذول شده است. اما در زمینه نقد اندیشه‌ها و برنامه‌های داخلی، بیشترین موارد را به ترتیب در مجله‌های علمی - پژوهشی، فاقد درجه و سپس مجله‌های علمی - ترویجی می‌توان مشاهده کرد. در زمینه نقد اندیشه‌های داخلی و

خارجی، موارد مندرج در همه رتبه‌ها چنان اندک است که شاید نتوان مدعی شد تفاوت‌های آماری چیز زیادی را نشان می‌دهند.

گونه‌های مختلف نقد به تفکیک رتبه مجله‌های علوم سیاسی



نتیجه‌گیری

اختصاص تنها ۸/۲ درصد عناوین و ۴/۵ حجم مطالب منتشرشده در مجله‌های پژوهشی علوم سیاسی به مقاله‌های انتقادی، ضعف سنت نقد در ادبیات پژوهشی علوم سیاسی در ایران را آشکار می‌سازد؛ به سخن دیگر، پژوهندگان ایرانی بیشتر به تک‌گویی و کمتر به گفت‌وگو - آن هم از نوع نقادانه - علاقه نشان داده‌اند. آیا آنها ترجیح می‌دهند که یکدیگر را نادیده انگارند؟! البته ارقام مشابه مربوط به رشته ادبیات، یعنی ۴/۶ درصد و ۴/۱ درصد نشان می‌دهند پژوهش علوم سیاسی از این نظر از رشته ادبیات پیشتر است، به‌ویژه آنکه ادبیات رشته‌ای بومی‌تر در ایران محسوب می‌شود و انتظار می‌رود به طور جدی‌تر به نقد بپردازد. علاوه بر این، مطمئناً محدودیت‌های بیرونی اندک‌تری برای انتقادهای ادبی وجود دارند. عوامل فشار بیرونی، حساسیت کمتری نسبت به چنین نقدهایی از خود نشان می‌دهند. در رشته علوم سیاسی، با بالا رفتن رتبه مجله‌ها، حجم صفحات نقد در آنها نیز

افزایش می‌یابد؛ با این حال، تفاوت میان مجله‌های علمی - پژوهشی و مجله‌های فاقد رتبه کمتر از ۲ درصد است: ۵/۸ درصد حجم مجله‌های علمی - پژوهشی در برابر ۳/۹ درصد حجم مجله‌های فاقد رتبه به نقد اختصاص داشته است. اما همانند مجله‌های ادبیات، تعداد عناوین نقد در مجله‌های علمی - ترویجی بیش از مجله‌های علمی - پژوهشی است و در این زمینه مجله‌های فاقد درجه دارای کمترین تعداد عناوین نقادانه بوده‌اند. بررسی فهرست مجله‌های علوم سیاسی نشان می‌دهد مجله‌های علمی - پژوهشی توسط مراکز پژوهشی صرف انتشار می‌یابند، در حالی که مجله‌های علمی - ترویجی و مجله‌های فاقد رتبه عمدتاً توسط بخش‌های تحقیقاتی نهادهای دولتی منتشر می‌شوند، و تفاوت چشمگیری در زمینه تمایل به نقد در میان آنها مشاهده نمی‌شود.

بررسی گونه‌های مختلف نقد در مجله‌های پژوهشی علوم سیاسی نشان می‌دهد ۹۱ درصد تعداد و ۸۴ درصد حجم مطالب انتقادی، نقد کتاب بوده‌اند که معمولاً با معرفی کتاب همراه است. این امر مشخص می‌سازد که پژوهندگان ایرانی علوم سیاسی آنجا که به نقد همت گمارده‌اند، عمدتاً این کار را در قالب نقد کتاب انجام داده‌اند. نقد یک متفکر به صورت کلی و با توجه به تمامی آثارش بسیار دشوارتر از معرفی و نقد یکی از کتاب‌های اوست و یافته‌های این تحقیق مشخص می‌کند پژوهشگران ایرانی علوم سیاسی مساعی کمتری در این زمینه مبذول داشته‌اند. درصد مقاله‌هایی که تماماً به نقد یک اندیشمند (یا برنامه) داخلی یا خارجی می‌پردازند، حداکثر ۸ درصد تعداد و ۱۵ درصد حجم کل مطالب انتقادی را در برمی‌گیرد که رقم پایینی محسوب می‌شود. متأسفانه در پژوهش حاضر آمار مربوط به نقد کتاب‌های نوشته‌شده توسط نویسندگان داخلی و خارجی به صورت تفکیکی بررسی نشده‌اند تا مشخص شود تلاش برای نقد کتاب بیشتر متوجه کدام دسته از این آثار بوده است.

به نظر می‌رسد نویسندگان ایرانی علاقه‌ای ندارند که به طور مستقیم با یکدیگر یا حتی با هم‌تایان خارجی‌شان گلاویز شوند. نبود حتی یک مورد مناظرهٔ مکتوب یا شفاهی مستقیم یا غیرمستقیم مؤید این نتیجه‌گیری است؛ البته وضعیت در رشته ادبیات تفاوت قابل توجهی دارد: فقط ۶۳ درصد تعداد و ۵۸ درصد حجم مطالب

انتقادی مجله‌های ادبیات نقد کتاب بوده‌اند. راستی علت بی‌علاقگی مجله‌های علوم سیاسی به نقد اندیشه‌های داخلی و خارجی چه می‌تواند باشد؟ آیا ضوابط وزارت علوم برای این مجله‌ها در این زمینه نقش ایفا می‌کنند؟

همانند مجله‌های ادبیات، مجله‌های علوم سیاسی با بالا رفتن رتبه، عناوین بیشتری را به نقد اندیشه داخلی و خارجی اختصاص داده‌اند که باید مثبت تلقی شود. تنها استثنا که البته قابل توجه نیز هست در مورد نقد اندیشه داخلی است: مجله‌های علمی - ترویجی علوم سیاسی حتی خیلی کمتر از مجله‌های فاقد درجه این رشته، در بردارنده چنین نقدهایی بوده‌اند.

بیشترین موارد نقد کتاب در مجله‌های علوم سیاسی، ابتدا در مجله‌های علمی - ترویجی و سپس مجله‌های فاقد درجه و در نهایت در مجله‌های علمی - پژوهشی مشاهده می‌شود. فاصله میان مجله‌های دارای درجات مختلف نسبتاً اندک است. همین وضعیت در مورد مجله‌های ادبیات هم وجود دارد، با این تفاوت که مجله‌های علمی - پژوهشی و فاقد درجه ادبی در یک موقعیت قرار دارند.

یافته‌های این تحقیق شاخص‌های مطلوبی را در زمینه نقد در ادبیات پژوهشی علوم سیاسی در ایران نشان نمی‌دهند. جزئیات آماری البته گاهی نشانه‌های مثبتی را در بردارند. اینکه چرا فرهنگ نقد در ایران ضعیف بوده و پژوهندگان ایرانی از مواجهه عالمانه با یکدیگر ابا دارند، پژوهش مستقلی را می‌طلبد که می‌تواند برای برون‌رفت از وضعیت کنونی کارگر افتد. با این حال، نتایج آماری این پژوهش ضرورت اندیشیدن تمهیداتی برای تقویت نقد در پژوهش علوم سیاسی در ایران را روشن می‌سازند. کارآمدی علوم سیاسی مستلزم عبور از تک‌گویی و تعامل انتقادآمیز محققان در این رشته علوم انسانی است. *

پی‌نوشت‌ها

۱. محمد، منصورنژاد، «قواعد و آداب نقد»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۱، سال ۱۳۸۴، ص ۱۱.
۲. عبدالحسین، زرین‌کوب، آشنایی با نقد ادبی، تهران: نشر سخن، ۱۳۷۶، صص ۲۳-۲۱.
۳. دیوید، دیچز، شیوه نقد ادبی، مترجم: غلامحسین یوسفی و محمدتقی صدقیانی، تهران: نشر علمی، ۱۳۶۶، ص ۲۶۳.
۴. برای مثال بنگرید به: علی میرسپاسی، دموکراسی یا حقیقت: رساله‌ای جامعه‌شناختی در باب روشنفکری ایرانی، تهران: طرح نو، ۱۳۸۱، ص ۱۵۴. به عنوان نمونه، میرسپاسی به نقد و بررسی گسترده شعر نو در ایران اشاره می‌کند. میرسپاسی، همان، صص ۲-۱۸۱.
۵. برخی نکات در مورد نحوه جست‌وجو و گزینش داده‌ها از شیوه تحقیق ارائه شده، از مقاله زیر اقتباس شده‌اند:

- Nitin Garg and Adnan Ayder, "Road Traffic Injuries in India: A Review of the Literature", *Scandinavian Journal of Public Health*, No. 34, 2006, p. 101.